

نگاهی به وضعیت اقتصادی امارات متحده عربی

محمد کر دزاده کرمانی

پژوهشگر علوم سیاسی

توسعه اقتصادی امارات متحده عربی طی سالهای اخیر نسبتاً چشمگیر بوده است. ترکیب تولید ناخالص داخلی و صادرات آن کشور در حال عوض شدن است. بدین معنی که سهم بخش غیرنفتی در تولید ناخالص داخلی و صادرات امارات افزایش یافته است. طی بیست سال گذشته آن کشور ۳۱۶ درصد رشد صادرات داشته و تولید ناخالص داخلی امارات در ۱۹۹۹ به ۴۶ میلیارد دلار بالغ گردیده که بیش از نصف تولید ناخالص داخلی جمهوری اسلامی ایران است. افزایش قدرت اقتصادی امارات توازن قدرت در منطقه را تحت تأثیر قرار می دهد. این مسئله از این جهت اهمیت دارد که منطقه خلیج فارس ظرفیت ایجاد بحران منطقه ای و بین المللی را دارد. بنابراین جمهوری اسلامی ایران باید تلاش جدی تری برای حفظ موقعیت خود در منطقه خلیج فارس بنماید و برای حفظ برتری ناچار است که اوضاع اقتصادی خود را با سرعت سامان بخشد.

مقدمه

کشور امارات متحده عربی از هفت امیر نشین دبی، ابوظبی، رأس الخیمه، شارجه، عجمان، فجیره و ام القوین از سال ۱۹۷۱ تشکیل شده است. طی بیست سال گذشته این کشور از رشد اقتصادی چشمگیری برخوردار گردیده به طوری که در آمد سرانه آن در ۱۹۹۹ به حدود ۱۶۵۰۰ دلار رسیده است. این کشور از لحاظ اقتصادی به شدت در تلاش برای رسیدن به خود کفائی در تولید مواد غذایی و صادراتی نمودن محصولات غیرنفتی است، طی بیست سال گذشته واردات این کشور از یازده میلیارد درهم در ۱۹۷۵ به ۸۵ میلیارد درهم^(۱) در ۱۹۹۵ افزایش یافتند و صادرات آن با ۳۱۶ درصد رشد از ۲۹ میلیارد درهم در ۱۹۷۵ به ۹۲ میلیارد درهم در ۱۹۹۵ بالغ گردیده است.

برای درک اهمیت اقتصاد روبه رشد امارت لازم است که تولی ناخالص داخلی امارات با بعضی از کشورهای منطقه خلیج فارس و خاورمیانه مقایسه شود. در حالیکه تولید ناخالص داخلی امارات در

۱- هر ۳٫۵ درصد معادل یک دلار امریکا است

۱۹۹۹ به ۴۶ میلیارد دلار بالغ گردیده تولید ناخالص داخلی کویت ۳۶ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی جمهوری اسلامی ایران ۱۰۶ میلیارد دلار و رژیم اشغالگر قدس (اسرائیل) حدود ۱۰۵ میلیارد دلار بوده است. این آمار نشان می‌دهد که امارات از لحاظ اقتصادی اهمیتی بیش از کویت یافته است و تولید ناخالص داخلی آن کشور به نصف تولید ناخالص داخلی ایران نزدیک می‌شود.

مجموعه ذخائر گاز ابوظبی ۶۲۰۰

میلیارد متر مکعب و یا حدود ۲۱۷ تریلیون

فوت مکعب است. در ابوظبی عرضه و

تقاضای برای انرژی به شدت در حال افزایش

است و از سال ۱۹۹۵ مصرف برق ابوظبی

سالانه بیش از بیست درصد افزایش

یافته است. ولی مشکل اصلی این است که

مخازن گاز ابوظبی در اعماق دریا قرار دارد و

این مخازن بسیار پراکنده است و همچنین

سولفور آن زیاد می‌باشد.

برنامه توسعه صنعتی دوبی به تهیه

گاز توسط ابوظبی وابسته است. اگر

ابوظبی نتواند گاز لازم را تهیه نماید برنامه

سوم توسعه صنعتی دوبی با مشکل

مواجه می‌گردد. از طرفی ابوظبی باید به

نفت و گاز

ذخائر ثابت شده نفت و گاز

امارات متحده عربی ۹۸ میلیارد بشکه است

که حدود ۱۰ درصد ذخائر نفتی دنیا است.

ذخائر گاز طبیعی امارات متحده عربی

۲۰۴٫۹ تریلیون فوت مکعب است که

چهارمین ذخیره عمده گاز جهان است.

بنابراین براساس این ذخائر غنی و ارزشمند،

عمده‌ترین سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در

امارات در بخش نفت گاز صورت

گرفته است.

ذخائر نفت و گاز امارات در ابوظبی،

دبی و شارجه قرار دارد. عمده‌ترین ذخائر

همسایه خود قطر که دارای منابع گازی تمیز و فراوانی است مراجعه کند. خانواده موسوم امرون (Emron) آمریکا به طور متساوی تقسیم شود.

به آل نهیان در چهارچوب طرحی بنام دولفین شروع به خرید گاز از قطر و توزیع آن در ۶ امارات دیگر و از جمله صدور آن به آسیا نموده است. قرار است که شیخ محمد آل نهیان در مناطق شمال قطر

در طول ۷ سال آینده مبلغ ۱۰ میلیارد دلار

در منابع گاز قطر سرمایه گذاری کند و روزانه

۳ میلیون فوت مکعب گاز طبیعی از قطر

خریداری و به عمان و بقیه عمارات بفروشد.

اگر این طرح اجرا شود ابوظبئی نه به عنوان

مرکز شبکه گاز منطقه بلکه به عنوان

مهمترین منطقه در شبه قاره آسیا مطرح

خواهد شد. هرچند که تاکنون

توافق نامه های این طرح ها به امضا رسیده

ولی از دیدگاه بانکداران پیش بینی های

مربوط به آن هنوز شفاف نیست. ضمناً

ابوظبئی و قطر تاکنون در مورد تعیین قیمت

گاز اختلافاتی داشته اند. قرار بوده است که

طرح دولفین تحت عنوان شرکت تجاری

دولفین به ثبت برسد. اکثریت سهام آن

متعلق به دولت باشد و مقداری از سهام آن

بین شرکت الف (ELF) فرانسه و شرکت

به طور کلی امارات اخیراً سرمایه گذاری عظیمی در زمینه نفت و گاز نموده است و شیخ زائد نقش کلیدی را در این امر بازی می کند و سعی دارد که ابوظبئی دروازه نفت و گاز خاورمیانه شود.

اقتصاد امارات

اقتصاد امارات متحده عربی

مانند اقتصاد جمهوری اسلامی ایران وابسته

به درآمدهای نفت و گاز است. حدود ۳۳

درصد از تولید ناخالص داخلی امارات ناشی

از درآمد حاصل از فروش نفت و گاز است و

موفقیت و شانس امارات در اجرای

برنامه های اقتصادی و عمرانی وابسته به

قیمت نفت و گاز در بازار بین المللی است.

بعد از رکود اقتصادی ناشی از کاهش قیمت

نفت در ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ علی رغم افزایش

قیمت نفت دولت امارات برنامه اصلاحات

اقتصادی را که از ۱۹۹۸ شروع کرده بود

کنار گذاشته و همچنان سعی در

خصوصی سازی و متنوع سازی اقتصاد، عدم

تمرکز در سیستم اداری، منطقی کردن

سیستم قانون و نظام حقوق امارات و افزایش تولید انبوه میگوی پرورشی و مروراید صنعتی تعلیمات فنی و حرفه ای در کشور دارد. در آن کشور شده است.

درآمدهای نفتی رشد سریعی را در امارات ایجاد کرده است، ولی ترس از تمام شدن درآمدهای نفتی ضرورت پیدا نمودن منابع دیگری از درآمد و تقویت تنوع اقتصادی را آشکار ساخته است. در نتیجه سرمایه گذاری در بخش های غیر نفتی چون کشاورزی و صنعتی اهمیت بسیار یافته است.

بخش کشاورزی ۳ درصد تولید ناخالص داخلی، بخش صنعت ۵۲ درصد و بخش خدمات ۴۵ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می دهد. سیاست های اقتصادی امارات برای خودکفایی و جایگزینی واردات منجر به تنوع در اقتصاد و کاهش سهم نفت در تولید

ناخالص ملی آن کشور شده است. این کشور پیشرفتهای چشمگیری در حاصلخیز نمودن خاک، جنگل کاری و تأمین امنیت در ولید مواد غذایی داشته است. اعطای سوبسیدهای مختلف به کشاورزان و دامداران منجر به ایجاد مزارع وسیع نخل، گاو داری و مرغداری های بزرگ و مجهز و

باید توجه داشت که امارات بیش از صد سال ظرفیت استخراج نفت و گاز دارد. در اثر این درآمدها این کشور از یک منطقه فقیر نشین در بدو استقلال در ۱۹۷۳ به یک کشور ثروتمند با درآمد سرانه ۱۶۵۰۰ دلار در ۱۹۹۹ تبدیل شده است. افزایش قدرت اقتصادی قدرت نظامی امارات را در منطقه تقویت می کند و این مسئله باعث می شود که توازن نظامی منطقه خلیج فارس به نفع جنوب آن منطقه تغییر یابد. در حالی که بودجه سالانه امارات حدود ۶ میلیارد دلار در سال است بیش از ۴۰ درصد بودجه برای خرید تجهیزات نظامی تخصیص می یابد، که می توان آن را تهدیدی برای منطقه خلیج فارس قلمداد نمود.

مسئله مهم دیگر سرمایه گذاری های انبوه امارات متحده عربی در خارج از آن کشور است. این سرمایه گذاری ها بعد از جنگ عراق و کویت شدت یافته است به طوری که امارات در حال حاضر بیشترین سرمایه گذاری خارجی را در قیاس با سایر کشورهای نفت خیز نموده است. این

سرمایه‌گذاری‌ها موجب متنوع شدن در
آمدهای امارات متحده عربی گردیده و یک
جریان عظیم درآمد‌های غیر نفتی برای
امارات ایجاد کرده است.

این وضعیت امارات مشابه وضعیت
کشور کویت است که تا سال ۱۹۸۲
درآمدهای سرمایه‌گذاری‌های خارجی آن
بیش از درآمدهای ناشی از نفت آن کشور
بوده است. زیرا که بورس و سهام برای آن
کشورها ایجاد سرمایه و ثروت می‌نماید.
بعلاوه نکته مهم این است که
سرمایه‌گذاری‌های خارجی کویت باعث شد
که آن کشور در طول جنگ با عراق بتواند از
حمایت بین‌المللی موثرتری برخوردار شود.

علی‌رغم این پیشرفتهای کاستی‌های
ساختاری عمده‌ای در زمینه توسعه
اقتصادی، اجتماعی امارات وجود دارد.
جمعیت ناچیز، اختلاف بین جمعیت بومی و
غیربومی، حاکم بودن اقلیت عرب بومی و
انحصاری بودن قدرت اقتصادی و سیاسی
برای قوم عرب بومی و فقدان حقوق مدنی و
آزادی‌های سیاسی و اجتماعی برای اکثریت
مهاجرین غیر عرب از اهم مشکلات در زمینه
هویت ملی جمعیت و توسعه اقتصادی

اجتماعی پایدار در آن کشور جمعیت
امارات حدود ۲/۵ میلیون نفر است که بیش
از ۲ میلیون نفر آنها جمعیت مهاجرین غیر
عرب می‌باشد. حدود ۴۰ درصد جمعیت
امارات زیر ۱۰ سال سن دارد که خود
می‌تواند در آینده عامل ناآرامی‌های
اجتماعی سیاسی باشد و عامل بی‌ثباتی
گردد. نیروی کار امارات
حدود ۱/۳ میلیون نفر که ۸۲ درصد آن
کارگران غیربومی هستند تعداد افراد واجد
شرایط برای انجام خدمات نظامی حدود
۴۰۰ هزار نفر است که اکثر آنها غیربومی
هستند. این مسئله یکی از موانع عمده در
انسجام قدرت نظامی امارات است.

تفاوت در ذخائر طبیعی منطقه باعث
توسعه نامتوازن در نقاط مختلف آن کشور
شده است و تاکنون توسعه شدید اقتصادی
ابوظهبی و تسلط آن بر سایر شیوخ‌نشین‌های
در منطقه ایجاد کرده است. رقابتهای بین
شیوخ عموماً منجر به اجرای پروژه‌های
عمرانی و صنعتی مشابه در شیخ‌نشین‌های
مختلف بدون توجه به بهره‌وری کار و سرمایه
صورت گرفته است. از طرفی کپی‌سازی
طرح‌های سرمایه‌گذاری صنعتی توسط

امارات متحده منجر به انتقاد شدید بسیاری از کشورهای منطقه شده است. این مسئله نشان می‌دهد که هماهنگی و انسجام لازم در برنامه ریزی‌های اقتصادی امارات وجود ندارد. طبق گزارشات کارشناسان سیاست‌های اقتصادی امارات در حوزه کلان

نیز همخوانی ندارد و اطلاعاتی شفاف در مورد سیستم مالی این کشور در دسترس نمی‌باشد. ابهام و نامعلوم بودن در نظام مالی امارات باعث شد که بانک اعتبارات و تجارت بین الملل امارات (BCCI) در دهه ۹۰ ورشکسته اعلام گردد. از طرفی طرح‌های معدنی و پتروشیمی امارات نیز از لحاظ اقتصادی بودن مورد سؤال قرار گرفته است. این نظر وجود دارد که طرح‌های پتروشیمی و یا معدنی امارات

ضرورتاً سودآور نیست زیرا که بازار محصولات پتروشیمی و معدنی با توجه به سرمایه‌گذاری‌های انبوه انجام شده در نقاط مختلف دنیا بسیار فرار و خسارات و

هزینه‌های اینگونه سرمایه‌گذاری‌ها بسیار سنگین است. مگر این که این محصولات به مصرف داخلی برسد. بنابراین لایه‌های درونی و زیرین این گونه سرمایه‌گذاری‌های پررزر و برق‌بایستی مورد مذاقه جدی قرار گیرد.

علی‌رغم این نارسائیه‌ها نباید منکر رشد فزاینده قدرت اقتصادی و نظامی امارات متحده عربی بود. با توجه به وضعیت نامساعد عراق، جمهوری اسلامی ایران باید تلاش جدی را برای حفظ موقعیت خود در خلیج فارس بنماید. ایران برای حفظ برتری خود ناچار است که اوضاع اقتصادی خود را با سرعت بیشتر سرو سامان بخشد. در غیر این صورت فرصتها به نفع سایر بازیگران منطقه‌ای از دست خواهد رفت.

